



عبدل احمد فیض  
عضو هیئت تحریر ا.ح.ا.

## افغانستان با خروج نظامیان خارجی نیرومندتر شود

تهاجم گسترده مسلحانه ائتلاف بین المللی بر رهبری ایالات متحده به افغان نستان که بعد از وقوع حمله تروریستی یازدهم سپتامبر سال (۲۰۰۱) به مرکز تجارت جهانی در نیویورک و مقر پنتاگون (وزارت دفاع امریکا) در واشنگتن دی سی انجام شد ، به تغییرات گسترده در امنیت جهان و بویژه در منطقه جنوب آسیا و حوزه خاورمیانه منتهی شد که پیامد های ناشی از این حملات تروریستی بیش از همه در کشور ما که تحت اداره طالبان قرار داشت متمرکز گردید. بعد از وقوع این حملات کاخ سفید و اداره نومحافظ کاران یعنی طراحان و مجریان سیاست توسل بقوه و سرکوب با ابزار نظامی که قبل بران به توحش، بربریت و سرکوب خشن حقوق بشری افغانها در نظام سرکوبگر طالبان که از حمایت همه جانبه اسلام آباد برخوردار بود، هیچ اهمیتی نداشتند ، در موقعیت انتقامگیری قرار گرفت و واژگون نمودن رژیم طالبان را که از رهبری شبکه هراس افکن القاعده متهم حملات تروریستی یازدهم سپتامبر حمایت میکرد ، در محور اهداف راهبردی خویش قرار داد.

هکذا ایالات متحده تلاشهای گسترده دیپلماتیک را به غرض کسب حمایت جهانی و متقاعد ساختن ملل متحد به حمایت از تصمیم امریکا مبنی بر حمله تمام عیار مسلحانه بر قلمرو کشور ما که با سروصدا های تبلیغاتی وسیع مبنی بر مشروعیت این اقدامات توأم گردید ، بعمل آورد و قادر شد تا حمایت شورای امنیت ملل متحد را در جهت کسب مجوز حقوقی اقدام مسلحانه آن کشور و متحدینش علیه افغان نستان کسب نماید و قطعنامه (۱۳۷۳) مورخ (۲۸) سپتامبر شورای امنیت که توصیف حق دفاع مشروع در آن کم رنگ بود ، تصمیم حمله نظامی ائتلاف بین المللی بر رهبری ایالات متحده را تایید نمود. بتاسی از ان ائتلاف جنگی که همه امادگی های تهاجمی را از قبل تدارک نموده بودند شامگاه هفدهم اکتوبر ارتش غرب در قالب ائتلاف جهانی ضد تروریستی از ناوه جنگی امریکا مستقر در ابهای پاکستان و بدریافت مجوز استفاده از پایگاه های هوای پاکستان ، از هواوزمین با پرتاب بمب ها و راکت های هدایت شونده مقرر فرماندهی و سیاسی طالبان را در قندهار، کابل و محلات استقرار جنگجویان طالب را در سایر نقاط کشور مورد تهاجم گسترده قرار داد . حمله ائتلاف امریکا که با حمایت نیروهای بومی ضد طالبان در داخل همراهی میشد، سرانجام به بقای رژیمی در کابل خاتمه بخشید که به نظام وحشت و سرکوب معروف بود و راه برای استقرار بیش از یکصد هزار رزمندگان ناتو (پیمان نظامی اتلاننیک شمالی) در خاک افغان نستان مساعد گردید.

ائتلاف غرب بر رهبری ایالات متحده بعد از حضور چشمگیری نظامی و سیاسی در افغان نستان که در عمل مورد استقبال مردم رنجیده افغان به امید ختم جنگ و استقرار صلح پایدار نیز قرار گرفت ، اهداف و نیات اصلی حضور گسترده غرب را محوه کامل، تعقیب و ریشه کن ساختن لانه های تروریستی ، مساعدت در جهت اعمار مجدد افغانستان ، تجهیز، تمویل و تسلیح نیروهای افغان با تسلیحات مورد نیاز اعلام داشته و از تعهد خویش در تحکیم پایه های دولت نوپا در کشور، تعمیر ارزشهای دموکراتیک ، حمایت و پشتیبانی از حقوق بشری افغانها

که در زمان حاکمیت طالبان از آن محروم بودند، بدولت و مردم افغانستان اطمینان بخشیده و امیدها برای یک فردای بهتر و عاری از هیولای جنگ در کشور فزونی گرفت. اما ایا ائتلاف بین المللی بر رهبری غرب به تعهدات خویش در امر سرکوب گروه های دهشت افکن ، اعاده صلح و ایجاد یک افغانستان باثبات مسوولیت های خود را در برابر دولت و مردم افغانستان انجام داده است ؟ ایا افغانستان بدون حضور قشون خارجی و در صورت تدوام مساعدتهای مالی و تجهیزاتی کشورهای کمک کننده نیرو مند نخواهد بود؟

به باور این قلم ، حضور گسترده نظامیان خارجی از (۴۶) کشور عضو ناتو در قلمرو افغانستان در بیش از سیزده سال گذشته ، اقدامات تجسسی و برنامه های رزمی آنها بوضوح پاسخ روشن وقانع کننده از وضعیت حاکم در کشور است ، حضور نظامی بزرگترین قدرتهای جهانی در سیزده سال گذشته ننتها به صلح و امنیت در کشور منجر نگردید، بلکه به بی ثباتی و گسترش روز افزون بحران امنیتی درین کشور منتهی و بمثابه ابزار تبلیغاتی و اسباب استمرار قتل کشتار مردم بیگناه غیر نظامی بدست افراطیون این گماشتگان بیگانه مبدل گردیده است.

نظامیان ائتلاف جهانی به رهبری امریکا تحت نام

### Opration Enduring Freedom

یا عملیات بلند مدت برای آزادی بعد از سطریره کامل در اراضی افغانستان با تعقیب ستراتیژی ویژه در نبرد برای انهدام مخفی گاه های شبکه های دهشت افکن و پیگرد بقایای طالبان در کشور ما ، از همان نخستین روز های حمله مسلحانه ، به استقرار رزمندگان در مناطق دلخواه شان مبادرت ورزیده و تلاش نمودند که به بهانه ردیابی بقایای گروه طالبان ، سران و فرماندهان شبکه القاعده به انجام عملیات تجسسی و تعقیب فقط در کوهستانات شرق ، جنوب ، جنوب شرق افغانستان پرداخته و فشارهای نظامی نظامیان خارجی و بخصوص امریکا بیشترینه در روستاهای افغانستان و در حومه نوار مرزی جنوب و جنوب شرقی کشور متمرکز گردید، در حالیکه فیگورهای اصلی و عناصر خطرناک رده نخست شبکه القاعده و طالبان بعد از سرنگونی رژیم طالبانی از کشور فرار و در برخاستگاه اصلی آنها یعنی در لانه های مطمین شان نه صرفاً در مناطق تحت حاکمیت پاکستان پناه بردند بلکه در مکانهای معین و بشدت حفاظت شده تحت اداره سازمان جاسوسی ای-اس-ای مخفی گردیده ، تعقیب و دستگیری آنها که ظاهراً در الویت ستراتیژی غرب در مبارزه علیه دهشت افکنی قرار داشت کنار گذاشته شد که کشتن رهبر القاعده بدست نیروهای ویژه امریکائی بعد از سالها حضور غیرمشروع در یکی از شهرهای مهم ان کشور یعنی در ایبیت اباد از مصادیق انکارنا پذیر اشتباه راهبردی نیروهای بین المللی در مبارزه قاطع و صادقانه علیه گروه های تروریستی پنداشته می شود. هکذا تمرکز نبرد علیه بقایای نیروهای دهشت افکن توسط نظامیان ناتو و بخصوص رزمندگان ارتش امریکا در روستاهای افغانستان موجب شد تا سازمان بدنام جاسوسی نظامی پاکستان که ان کشور خود را بخش از جبهه ضد تروریسم بین المللی عنوان مینمود ، یکبار دیگر سناریوی احیای مجدد ، تشکل و سازماندهی نیروهای شکست خورده ، منزوی و بشدت متشتت گروه طالبان و سایر سربازان اجیر از کشورهای دیگر را روی دست گرفته ، منابع مالی ، تسلیحاتی و اطلاعاتی گروه های اجیر را در پرتو اهداف و منویات راهبردی اش تدارک و صفحه جدید از جنگ و خونریزی را در کشور ما گشایش دهند.

گروه های دهشت افکن بعد از حضور مجدد در عرصه بی ثباتی افغانستان ، در فاصله میان سالهای (۲۰۰۴ و ۲۰۰۵) با تعبیه بمبهای کنار جاده ، حملات چیرکی و انجام شبخون بالای مواضع نیروهای دفاعی داخلی ، سربازان خارجی ، تاسیسات نظامی و ملکی و انجام حملات انتحاری بعد از یک دوره محدود آرامش فعالیت های ویرانگرانه شان در کشور آغاز و قادر گردیدند تا علی الرغم حضور نظامی (۴۶) کشور عضو ناتو ثبات و امنیت کشور را برهم زده و با گذشت هر روز در برابر دیده گان نیروهای تا به دندان مسلح ضد تروریستی غرب بسط و توسعه یافته و بار دیگر به یکی از بزرگترین معضل امنیتی در کشور مبدل گردد. لذا آغاز و گسترش طیف جدیدی از حملات گروه های هراس افکن و تشدید دخالت نهادهای جاسوسی بیگانه باعث شد تا دولت پیشین افغانستان از نگرانیهای امنیتی در کشور متحدان بین المللی خود بویژه ای ایالات متحده امریکا را بدفعات در جریان گذارد و تقاضا بعمل آمد تا نیروهای بین المللی با تغییر ستراتیژی خود در مبارزه علیه دهشت افکنی تجدید نظر نموده و با بذل اهتمام به نگرانی های فزاینده در افغانستان ، عاملان جنگ ، ترور و دهشت رادر لانه ها و مراکز استقرار آنها یعنی در انسوی خط تحمیلی دیورند مورد پیگرد و تعقیب قرار دهند ، اما حامیان بین المللی کابل ، درخواست دولت افغانستان مبنی بر انجام عملیات ضد تروریستی در قلمرو تحت حاکمیت اسلام اباد را

مغایر نورمهای جهانی و مخالف ماموریت اصلی ناتو در افغانستان عنوان نموده و از هرگونه عکس العمل برضد حضور مخالفان مسلح دولت افغانستان در قلمرو پاکستان اجتناب نمودند و این بی مبالائی دوستان جهانی کابل در امر سرکوبی مخالفان مسلح دولت افغانستان باعث آن گردید تا فرایند گفتگوهای - دیپلماتیک در راستای توافق دوجانبه فی مابین کابل-واشنگتن در امضای موافقت نامه امنیتی و دفاعی به بن بست مواجه گردد.

حضور نظامیان خارجی در خاک افغانستان بعد از امضای موافقتنامه امنیتی مورخ (۳۰) سپتامبر (۲۰۱۴) میان کابل- واشنگتن تحت عنوان حمایت قاطع نیز هیچ موثریتی در تغییر وضع در قبال نداشته زیرا تنها داشتن نقش حمایتی این نیروها از نظامیان افغان که در شرایط دشوار دفاع مستقلانه قرار دارند ، نه صرفاً به بهبودی اوضاع بشدت در حال استحاله کشور مفید نخواهد بود ، بلکه همانند موجودیت چندین ساله نظامیان خارجی به بستر مناسبی برای گسترش نارضائیهای همگانی در برابر حضور قشون خارجی که تنها نظاره گراوضاع باشد ، مبدل خواهد گردید. آنچه در تغییر اوضاع جاری ، سرکوب دشمنان و تامین امنیت میتواند نقش سازنده داشته باشد ، همانا تطبیق بلاانحراف مفاد موافقت نامه دفاعی و امنیتی خواهد بود که ایالات متحده را بمتابه بزرگترین حامی استراتژی یک افغانستان ملزم می سازد تا در پرتو مفاد مندرج در پراگراف (۴) ماده چهارم و فقرات (۱) الی (۴) ماده ششم موافقتنامه ضمن تمویل وجوه مالی ، روند تسلیح و تجهیز نیروهای مسلح افغان را با تسلیحات مورد نیاز تسریع و کشور که از فقدان یک نیروی هوای مجهز با طیارات و تخنیک هوایی شدیداً رنج میبرد با وسایل و جنگ افزارهای دفاع هوایی تجهیز و تسلیح نماید. هکذا تجربه یکسال دفاع جانبازانه مدافعان دلیر کشور از استقلال ، حاکمیت ملی بوضوح بیانگر آنست که این نیروها با جسارت و دلیری بی نظیر و باروحیه عالی وطن دوستی در یکسال دفاع واحد در برابر دسایس گوناگون و حملات سازمان یافته مخالفان مسلح از خود مقاومت نشان داده و بدون تردید میتوان اذعان داشت ، اگر مدافعان وطن با وسایل و سلاحهای لازم تسلیح میبود، پیروزیهای نیروهای امنیتی کشور بمراتب بیشتر ازین میبود. چنانچه دیوید پترایس رئیس پیشین اداره (سیا) ایالات متحده بدین باور است (اگر افغانستان نیروی هوایی قوی در اختیار میداشت، شاید جنگجویان مسلح درین کشور حتی دستاورد چون تسخیر مقطعی شهر کندز و بدست گرفتن کنترل مناطقی از هلمند را نیز نمی داشت). فلها نمیتوان تردید داشت که تعویض استراتژی خروج کامل به تسریع روند تجهیز و تسلیح نیروهای ملی افغانستان به تسلیحات سبک و سنگین و نیروی هوایی قدرتمند ، موجب خواهد گردید تا مدافعان وطن بابرتری در صحنه نبرد ، مداخلات گسترده بیرونی و دسایس عاملان جنگ و خونریزی را در کشور عقیم نموده و افغانستان بدون حضور نظامی خارجی توانمند تر نسبت به گذشته خواهند بود.